



**بررسی مدل های سنجش محیط کسب و کار
و طراحی فرایند و چارچوب مدل سنجش
محیط کسب و کار استان تهران**

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بررسی مدل های سنجش محیط کسب و کار و طراحی فرایند و چارچوب مدل سنجش محیط کسب و کار استان تهران

تهیه و تدوین: علیرضا اسدی

از طریق پست الکترونیکی زیر می توانید پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به واحد
مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاما مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.
استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

دی ۱۴۰۴



فهرست

۱- مقدمه	۳
۲- بررسی مدل‌های سنجش محیط کسب و کار	۳
۲-۱- مدل B-READY بانک جهانی	۳
۲-۲- مدل شاخص رقابت پذیری استانی ویتنام (PCI)	۹
۲-۳- مدل پایش ملی محیط کسب و کار اتاق بازرگانی ایران	۱۱
۳- چهارچوب روش‌شناسی طراحی مدل سنجش محیط کسب و کار استان تهران	۱۳
۳-۱- طراحی مدل یا روش شناسی ارزیابی محیط کسب و کار	۱۳
۳-۲- روش جمع‌آوری داده‌ها و طراحی پرسشنامه‌ها	۱۴
۳-۳- تنوع جامع‌اماری و نمونه‌گیری	۱۴
۳-۴- اعتبارسنجی پرسشنامه و ابزارهای پژوهش	۱۵
۳-۵- تحلیل داده‌ها و ارائه خروجی‌ها	۱۵
۳-۶- برآورد مالی و نیروی انسانی مورد نیاز	۱۶
۴- جمع‌بندی و پیشنهادات	۱۶
منابع	۱۸



۱- مقدمه

سؤال اصلی این مطالعه آن است که چگونه می‌توان محیط کسب و کار استان تهران را مورد سنجش قرار داد به نحوی که از یافته‌های آن بتوان برای بهبود محیط کسب و کار استفاده نمود؟ در شرایطی که ساختار رسمی قوانین به ندرت دچار تحول بنیادین می‌شود، اما تصمیم‌ها و سیاست‌های اجرایی وزارتخانه‌ها که اثر مستقیمی بر فعالیت بنگاه‌ها دارند با نرخ زیادی تغییر می‌کنند، چگونه می‌توان مدلی ارائه نمود که به تحلیل شرایط و شناسایی راهکارهای موثر کمک کند؟

برای پاسخ به این سوال؛ یک تحلیل تطبیقی روی دو نمونه بین‌المللی در مقایسه با نمونه داخلی اصلی صورت گرفته سپس بر اساس آن پیشنهادهایی برای طراحی مدل ارزیابی محیط کسب و کار تهران ارائه شده‌است.

۲- بررسی مدل‌های سنجش محیط کسب و کار

در این بخش، به بررسی تطبیقی مدل‌های بین‌المللی سنجش محیط کسب و کار پرداخته می‌شود. هدف، درک نقاط قوت و ضعف رویکردهای جهانی و تبیین ضرورت طراحی یک مدل بومی‌سازی شده متناسب با شرایط نهادی و اجرایی ایران است.

۲-۱- مدل B-READY بانک جهانی

مدل Business Ready (B-READY) در سال ۲۰۲۴ به عنوان جایگزین گزارش معروف «سهولت کسب و کار»^۱ توسط بانک جهانی معرفی شد. این مدل در نخستین نسخه خود، ۵۰ اقتصاد ملی را پوشش داد و تمرکز آن بر سه ستون اصلی است:

۱- چارچوب مقرراتی / تنظیم‌گری^۲: مقررات و قوانین رسمی که بنگاه‌ها مجبور به پیروی از آنها هستند (مانند قانون ثبت شرکت، قانون کار، مقررات گمرکی).

۲- خدمات دولتی^۳: زیرساخت‌ها و نهادهای اجرایی (مانند دفاتر ثبت شرکت، سامانه‌های مجوز ساخت‌وساز، شرکت‌های خدمات آب و برق، نظام قضایی، گمرک، بانک مرکزی) که با اجرای مقررات مرتبط هستند.

۳- کارایی عملیاتی^۴: این ستون داده‌های کاملاً تجربی ارائه می‌کند و نوآوری اصلی B-READY همین جمع‌آوری سیستماتیک داده‌های واقعی از بنگاه‌هاست.

متدولوژی پروژه B-READY روی این سه ستون بنا شده است که هدف آن ارائه یک ارزیابی جامع، مقایسه‌پذیر و مبتنی بر داده از محیط کسب و کار است. ستون نخست به مقررات رسمی و قوانین ناظر بر فرایندهای اصلی کسب و کار می‌پردازد. ستون دوم ناظر به کیفیت خدمات، نهادهای و سازوکارهای اجرایی است که دولت یا بخش خصوصی برای اجرای مقررات فراهم

^۱ Doing Business

^۲ Regulatory Framework

^۳ Public Services

^۴ Operational Efficiency



می‌کند. ستون سوم مبتنی بر داده‌های عملی و واقعی از بنگاه‌هاست و نشان می‌دهد مقررات و خدمات در عمل با چه سهولتی پیاده می‌شوند و هزینه و زمان تحمیل شده بر بنگاه‌ها چگونه است.

در این مدل عوامل موثر بر محیط کسب و کار در ده موضوع اصلی^۵ که چرخه عمر یک کسب و کار را در برمی‌گیرد ارزیابی می‌شوند. هر موضوع در این پروژه دارای یک ساختار درونی چندسطحی است؛ در هر موضوع سه ستون اصلی تکرار می‌شوند و هر ستون در قالب دسته‌ها، زیردسته‌ها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های خرد تعریف شده است. نکته مهم این ساختار آن است که شاخص‌ها نه صرفاً قانون را اندازه‌گیری می‌کنند و نه صرفاً تجربه روزمره بنگاه‌ها را، بلکه ترکیبی از این دو نگاه ارائه می‌شود تا هم زمینه اصلاح مقررات روشن شود و هم کارایی اجرایی سنجیده گردد. این ده موضوع عبارتند از :

(۱) ورود به کسب‌وکار؛ این موضوع مراحل ثبت رسمی شرکت را شامل می‌شود: از آماده‌سازی مدارک اولیه تا دریافت شماره ثبت و آغاز فعالیت. شاخص‌ها در این بخش بررسی می‌کنند که آیا ثبت شرکت امکان دیجیتالی شدن دارد، چه مدارکی لازم است، چه مراجعاتی باید انجام شود و در عمل این فرایند چقدر طول می‌کشد. برای مثال از خبرگان پرسیده می‌شود که آیا امکان ثبت کاملاً آنلاین وجود دارد و از بنگاه‌ها سؤال می‌شود که فرایند ثبت برای آنان دقیقاً چند روز طول کشیده است.

(۲) مکان کسب‌وکار؛ این موضوع به فرایند دسترسی بنگاه به زمین یا ملک مورد نیاز برای فعالیت می‌پردازد. موضوعاتی مانند فرایند انتقال مالکیت، اخذ پروانه ساخت، تأیید نقشه‌ها، بازرسی‌های ایمنی، پایان کار ساختمانی و سازوکارهای نظارتی بررسی می‌شود. از خبرگان پرسیده می‌شود که چه نهادهایی در صدور مجوزهای ساخت دخیل هستند و از بنگاه‌ها سوال می‌شود که برای دریافت پایان کار چند بار مجبور به مراجعه به دستگاه‌های مختلف شده‌اند.

(۳) خدمات زیرساختی؛ این بخش بر اتصال بنگاه به زیرساخت‌های حیاتی مانند برق، آب و شبکه فاضلاب تمرکز دارد. موضوعاتی مانند مراحل اخذ انشعاب، هزینه و زمان اتصال، کیفیت خدمات و میزان قطعی‌ها بررسی می‌شود. نمونه سؤال از بنگاه‌ها این است که اتصال برق واحد آنان دقیقاً چقدر طول کشیده و چه تعداد قطعی در شش ماه گذشته داشته‌اند.

(۴) نیروی کار؛ این موضوع مجموعه مقررات و فرایندهای مرتبط با استخدام، قراردادهای انعطاف‌پذیری بازار کار، الزامات ایمنی و سازوکار اجرای قوانین را شامل می‌شود. برای نمونه از خبرگان پرسیده می‌شود که آیا امکان انعقاد قرارداد پاره‌وقت بدون محدودیت وجود دارد یا خیر. همچنین نحوه اجرای بازرسی‌های کار و زمان رسیدگی به تخلفات بررسی می‌شود.

(۵) خدمات مالی؛ این بخش دسترسی بنگاه‌ها به تسهیلات، وجود سامانه‌های اعتبارسنجی، عملکرد بانک‌ها در بررسی درخواست‌ها و الزامات قانونی مربوط به شناخت مشتری را بررسی می‌کند. نمونه سؤال این است که چه نوع اطلاعات اعتباری در دسترس بانک‌هاست و مراحل بررسی درخواست وام برای بنگاه‌ها چگونه است.



۶) تجارت بین الملل؛ در این موضوع فرایندهای صادرات و واردات، اسناد اداری لازم، تشریفات گمرکی، زمان ترخیص کالا، و میزان دیجیتالی شدن رویه‌ها بررسی می‌شود. از بنگاه‌ها پرسیده می‌شود که اخذ گواهی مبدأ چقدر طول می‌کشد یا ترخیص کالای اصلی آنان چند روز زمان نیاز دارد.

۷) مالیات؛ این بخش به فرایندهای مربوط به نظام مالیاتی می‌پردازد؛ شفافیت قوانین، نحوه محاسبه مالیات، عملکرد سامانه‌های پرداخت، رسیدگی مالیاتی و میزان بار اداری بر دوش بنگاه‌ها. در پرسشنامه‌ها از خبرگان پرسیده می‌شود که چه بخش‌هایی از هزینه‌های شرکت قابل قبول مالیاتی هستند و این قواعد تا چه میزان شفاف اعلام شده‌اند.

۸) حل اختلاف؛ این موضوع عملکرد نظام قضایی و نهادهای حل اختلاف را ارزیابی می‌کند؛ از جمله قابلیت پیش‌بینی روندهای دادرسی، زمان رسیدگی، هزینه‌های طرح دعوا، و برداشت بنگاه‌ها از بی‌طرفی دادگاه‌ها. در پیمایش بنگاه‌ها، سوالاتی درباره تجربه واقعی آنها در استفاده از دادگاه‌ها مطرح می‌شود.

۹) رقابت؛ در این بخش ساختار بازار، سطح رقابت‌پذیری اقتصاد، نقش شرکت‌های دولتی، نحوه تحقق رقابت منصفانه و حتی مقررات مرتبط با خرید دولتی بررسی می‌شود. برای مثال از خبرگان خواسته می‌شود توضیح دهند که آیا خرید دولتی بر اساس مزایده رقابتی انجام می‌شود یا خیر.

۱۰) ورشکستگی؛ آخرین موضوع با فرایند خروج بنگاه از بازار مرتبط است و شامل قوانین بازسازی، انحلال و تصفیه دارایی‌ها است. پرسش‌ها بررسی می‌کنند که آیا مسیرهای حقوقی برای بازسازی کسب‌وکار وجود دارد، این مسیرها چقدر طول می‌کشند و چه میزان هزینه‌بر هستند.

متدولوژی B-READY در یک سند پشتیبان تفصیلی ۷۰۰ صفحه ارائه شده است که ضمن نشان دادن تفاوت این مدل با مدل قدیمی سهولت کسب و کار نشان می‌دهد که چگونه محیط کسب و کار را بر اساس داده‌ها منابع مختلف و با چه فرایندهایی جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر می‌کند.

منابع داده در این مدل بر دو رکن اصلی استوار هستند. داده‌های «حقوقی و رسمی»^۶ عمدتاً از مشورت با خبرگان به دست می‌آیند؛ خبرگانی از بخش خصوصی که در حوزه‌ای مشخص فعالیت تخصصی دارند و می‌توانند به پرسشنامه‌های تفصیلی درباره مقررات و فرایندهای رسمی پاسخ دهند. داده‌های «عینی و تجربی»^۷ نیز به دو شیوه جمع‌آوری می‌شوند: بخشی از آنها از همین خبرگان و بخشی از طریق پیمایش بنگاه‌ها در قالب. پیمایش بنگاه‌ها مبتنی بر نمونه‌گیری از بنگاه‌های ثبت‌شده است و اطلاعاتی واقعی درباره تجربه بنگاه‌ها در تعامل با دولت، هزینه‌ها، زمان‌ها، دشواری‌ها و برداشت آنها از کیفیت خدمات و فرایندها ارائه می‌دهد.



جمع‌آوری داده‌های رسمی از خبرگان فرایندی کنترل‌شده است. پیش از آنکه پرسشنامه اصلی در اختیار یک کارشناس قرار گیرد، فرد باید یک پرسشنامه غربالگری را تکمیل کند تا سطح تخصص او، حوزه فعالیت، میزان تجربه و تناسبش با موضوع سنجیده شود. تنها در صورتی که کارشناس صلاحیت لازم را داشته باشد، پرسشنامه اصلی ارسال می‌شود. این پرسشنامه‌ها به صورت الکترونیکی تکمیل می‌شوند و معمولاً بر مبنای یک «بنگاه نمونه» طراحی شده‌اند تا پاسخ‌ها میان اقتصادها و افراد مختلف قابل مقایسه باقی بماند. نمونه سؤال از خبرگان این گونه است: «برای اخذ پروانه ساخت برای یک واحد صنعتی متوسط، چه مدارکی باید ارائه شود و کدام نهادها باید تأییدیه صادر کنند؟»

پرسشنامه‌های بنگاه‌ها نیز با روش‌های استاندارد پیمایشی⁸ جمع‌آوری می‌شوند. در مواردی که پیمایش ادامه یک موج قبلی باشد، تعدیل وزن‌ها برای جبران ریزش پاسخ‌دهندگان انجام می‌شود. برخی سوال‌ها نیز ویژه پروژه B-READY طراحی شده و به پرسشنامه افزوده شده‌اند تا داده‌های دقیق‌تری درباره کارایی عملی فرایندهای کلیدی فراهم کنند. در این پیمایش از بنگاه‌ها خواسته می‌شود تجربه واقعی خود را در مورد زمان و هزینه تعامل با دستگاه‌ها گزارش کنند. نمونه سؤال از بنگاه‌ها: «در سال گذشته چند بار به اداره مالیات مراجعه کرده‌اید؟» «برای دریافت مجوز اصلی کسب‌وکار چند روز در انتظار بوده‌اید؟» «در سه ماه گذشته چه تعداد قطعی برق داشتید و مجموع قطعی‌ها چند ساعت بوده است؟»

از گردآوری داده‌ها، پاسخ‌های خبرگان و بنگاه‌ها بر اساس قواعد مشخصی تحلیل می‌شوند. در مرحله تحلیل، داده‌های خام پس از پاک‌سازی و تبدیل‌های آماری به امتیاز تبدیل می‌شوند. پاسخ‌های باینری، دسته‌ای و عددی هر یک پس از تبدیل آماری به شاخص‌هایی قابل مقایسه تبدیل می‌شوند. در ستون کارایی عملی، برای مثال داده‌های زمان و هزینه به مقیاس صفر تا صد تبدیل می‌شود تا بتوان شرایط اقتصادها و مناطق مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد. امتیاز هر زیرشاخص از ترکیب دو بعد محاسبه می‌شود: یکی نشان‌دهنده میزان انعطاف مقررات برای بنگاه و دیگری نشان‌دهنده منافع اجتماعی. به عنوان مثال در بعد «انعطاف برای بنگاه» این مسئله مطرح است که؛ آیا مراحل ثبت کم‌تعداد است؟ آیا فرآیند ساده و قابل پیش‌بینی است؟ آیا مدارک حداقلی هستند؟ آیا امکان ثبت کاملاً الکترونیکی وجود دارد؟ در بعد «منافع اجتماعی» این مسئله مطرح است که آیا کنترل‌های لازم برای جلوگیری از جعل مدارک وجود دارد؟ آیا بررسی‌های هویتی درست انجام می‌شود؟ آیا حداقلی از نظارت برای حفظ سلامت اقتصادی رعایت می‌شود؟

سپس امتیاز زیرشاخص‌ها با هم ترکیب می‌شود و امتیاز هر ستون به دست می‌آید. در نهایت سه ستون با میانگین‌گیری به امتیاز نهایی هر موضوع تبدیل می‌شوند. ساختار سه‌ستونی امکان می‌دهد ضعف‌ها یا قوت‌های یک اقتصاد به روشنی تفکیک شود.

در بخش پرسشنامه‌ها، هر موضوع دارای مجموعه‌ای از پرسشنامه‌های توضیح‌دار است که رابطه دقیق هر سوال با هر شاخص و مؤلفه را مشخص می‌کند. در موضوعاتی که سوالات متنوع‌تری لازم است، چند پرسشنامه تخصصی وجود دارد. این پرسشنامه‌ها نه تنها داده جمع می‌کنند بلکه یک الگوی دقیق از مفهوم هر شاخص و ملاک سنجش آن ارائه می‌دهند. برای



پاسخ‌دهندگان بنگاه‌ها نیز دستورالعمل‌های مشخصی وجود دارد که روشن می‌کند منظور از هزینه یا زمان چیست، کدام مراحل باید در نظر گرفته شود، و پاسخ‌ها بر چه تجربه‌ای بنا شود. در موضوعاتی مانند «خدمات زیرساختی»، «تجارت بین‌الملل» یا «رقابت» پرسشنامه‌ها ممکن است هم به برداشت بنگاه‌ها و هم به تجربه مستقیم آنان از خدمات بپردازند.

در نسخه ۲۰۲۴، میانگین جهانی امتیاز کشورها ۵۹.۷۳ از ۱۰۰ گزارش شده‌است. در ستون «کارایی عملی»، سنگاپور بالاترین عملکرد را با امتیاز ۸۷.۳۳ کسب کرد. مدل B-READY علاوه بر تأکید بر دیجیتالی‌سازی، پایداری زیست‌محیطی و برابری جنسیتی، امکان گسترش به سطح زیرملی را نیز در آینده فراهم می‌سازد. با این حال، ایران در این مدل هنوز گنجانده نشده است.

بررسی روش‌شناسی B-READY به عنوان یک مدل استاندارد جهانی نشان می‌دهد که سنجش محیط کسب‌وکار، زمانی معتبر و کاربردی است که سه ویژگی اساسی داشته باشد: تکیه همزمان بر قانون، اجرا و تجربه واقعی؛ استفاده از داده‌های ترکیبی (خبرگان و بنگاه‌ها)؛ و تبدیل این داده‌ها به شاخص‌های روشن و قابل مقایسه. این اصول می‌تواند پایه طراحی یک مدل بومی برای پایش محیط کسب‌وکار استان تهران باشد. در ادامه مهم‌ترین درس‌آموخته‌ها، نقاط قوت و چالش‌هایی که باید در فرآیند طراحی مدنظر قرار گیرد، مطرح می‌شود.

نخست اینکه مدل باید چرخه کامل حیات بنگاه را پوشش دهد. همان‌طور که در روش B-READY مشاهده شد، سنجش محیط کسب‌وکار محدود به ثبت شرکت یا صدور مجوز نیست و زنجیره‌ای از مراحل را دربرمی‌گیرد که از دسترسی به خدمات زیرساختی تا روابط کار، خدمات مالی، تعاملات گمرکی، نظام مالیاتی، حل اختلافات و حتی خروج از بازار را شامل می‌شود. این نگاه چرخه‌ای مانع از آن می‌شود که سیاست‌گذار تنها بر یک بخش از مسیر متمرکز شود و سایر گره‌ها را نادیده بگیرد.

نکته دوم این است که برای استان تهران، باید شکاف میان «قوانین رسمی»، «خدمات اداری» و «تجربه واقعی» اندازه‌گیری شود. تهران به‌عنوان مرکز اداری و اقتصادی کشور اغلب دارای قوانین و دستورالعمل‌های روشن است، اما تجربه بنگاه‌ها از اجرا ممکن است به دلیل بار اداری بالا، ازدحام مراجعان، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و تفاوت عملکرد مناطق شهرداری به شدت متنوع باشد. بهره‌گیری از ساختار سه‌ستونی کمک می‌کند این شکاف‌ها دقیقاً شناسایی شود.

سوم آنکه ترکیب داده‌های خبرگان و بنگاه‌ها برای استان تهران حیاتی است. تهران محیطی بسیار پیچیده با نهادهای متعدد، بازیگران متنوع و تفاوت‌های منطقه‌ای قابل توجه است. داده‌های خبرگان تصویر مشخصی از مقررات و فرایندهای رسمی می‌دهند، اما واقعیت تهران را فقط می‌توان از طریق بنگاه‌های فعال در مناطق مختلف (مرکز، شمال، جنوب، شرق و غرب) فهم کرد. بنابراین یک مدل کارآمد باید هر دو منبع داده را یکپارچه کند.

نکته مهم دیگر روش‌شناختی، ضرورت استانداردسازی پرسش‌ها است. تجربه B-READY نشان داد که استفاده از «بنگاه نمونه» و سناریوهای مشخص باعث می‌شود پاسخ‌ها قابل مقایسه شوند و اختلاف‌های ناشی از تفاوت نوع بنگاه‌ها کاهش یابد. در تهران نیز باید از چنین استاندارد استفاده شود تا مقایسه میان مناطق و میان زمان‌های مختلف معتبر بماند.



در نهایت، خروجی مدل باید کمی، شفاف و قابل پیگیری باشد. تبدیل زمان‌ها، هزینه‌ها و دشواری‌ها به امتیازهای عددی (مثلاً صفر تا صد) این امکان را فراهم می‌کند که پیشرفت‌ها قابل رصد، گزارش‌پذیر و قابل ارائه به سیاست‌گذاران باشد.

در مجموع می‌توان گفت مدل B-READY دارای ویژگی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای استفاده در سطح استان تهران است. نخست، مدل سه‌ستونی می‌تواند چرایی مشکلات را روشن کند. برای مثال اگر یک فرآیند قانونی ساده است اما اجرای آن دشوار است، سیاست‌گذار باید به سراغ اصلاح ساختار خدمات دستگاه‌ها برود، نه تغییر قانون. این تمایز برای استان تهران که تمرکز بالای اداری دارد، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

دوم، استفاده از تجربیات واقعی بنگاه‌ها ظرفیت مهمی برای تهران ایجاد می‌کند. تهران به دلیل حجم بزرگ بنگاه‌ها، داده‌های قابل‌اتکای بسیاری در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که می‌تواند تصویر بسیار دقیقی از گلوگاه‌ها فراهم کند. سوم، امکان مقایسه میان مناطق مختلف تهران یک مزیت بزرگ است. روش ترکیبی جمع‌آوری داده‌ها اجازه می‌دهد که مدل پایش نه فقط «تهران»، بلکه «جغرافیای اداری تهران» را بسنجد؛ موضوعی که می‌تواند برای سیاست‌گذاری محلی و شهرداری‌ها بسیار مفید باشد. چهارم، ماهیت عددی و تطبیق‌پذیر شاخص‌ها باعث می‌شود گزارش‌گیری دوره‌ای (ماهانه یا سالانه) به‌سادگی ممکن شود.

در عین حال این مدل دارای محدودیت‌هایی برای به‌کارگیری در سطح استان تهران است. نخستین محدودیت، پیچیدگی نهادی تهران است. تعدد دستگاه‌های اجرایی، مناطق متعدد شهرداری، شرکت‌های خدمات‌رسان مختلف و تفاوت رویه‌ها می‌تواند باعث شود گردآوری داده دقیق زمان‌بر و پرهزینه باشد. بنابراین باید انتظار داشت اجرای این مدل نیازمند زمان و هزینه زیادی باشد.

دومین محدودیت، ناهمگونی بنگاه‌ها در تهران است. تفاوت میان بنگاه‌های بزرگ، متوسط و کوچک بسیار زیاد است و ممکن است تجربه یک بنگاه کوچک در حوه تهران با یک بنگاه بزرگ در مرکز شهر قابل مقایسه نباشد. باید مراقب بود که نمونه‌گیری به‌گونه‌ای طراحی شود که این ناهمگونی‌ها مدیریت شود.

سوم، برخی داده‌ها مانند زمان واقعی عملیات گمرکی، تجربه اصلاحات مالیاتی، یا اطلاعات قراردادهای کاری ممکن است به‌سادگی در اختیار بنگاه‌ها نباشد یا نیازمند حساسیت بیشتری برای پرسش باشد. این مسئله می‌تواند کیفیت داده‌های عملی را محدود کند. چهارم، بخشی از فرایندها ممکن است ملی باشد نه استانی؛ مانند قوانین مالیاتی، قوانین کار، فرآیندهای ثبت شرکت یا بانکداری. بنابراین مدل باید تشخیص دهد کدام گلوگاه ناشی از سطح ملی و کدام ناشی از سطح استانی است تا تحلیل‌ها دقیق و کاربردی باشد.

پنجم، برای برخی موضوعات مانند رقابت، نوآوری یا ورشکستگی، داده‌های میدانی در تهران ممکن است محدود باشد، زیرا بسیاری از این فرآیندها کمتر توسط بنگاه‌ها تجربه شده‌اند و یا داده‌های مرتبط با آنها متمرکز در نهادهای ملی است. باید از ابزارهای ترکیبی (خبره‌محور + داده ثانویه) استفاده شود تا شکاف داده‌ای پر شود.



در یک جمع‌بندی نهایی تحلیل متدولوژی B-READY نشان می‌دهد که طراحی یک سیستم پایش محیط کسب‌وکار در استان تهران باید مبتنی بر سه اصل باشد: «یکسان‌سازی معیارها در قالب یک مدل چرخه‌ای»، «استفاده همزمان از داده‌های مقرراتی، اجرایی و عملی» و «تبدیل شفاف داده‌ها به شاخص‌های عددی»

این مدل می‌تواند به شکل‌گیری تصویری جامع و چندلایه از وضعیت واقعی کسب‌وکار در تهران کمک کند؛ تصویری که براساس آن می‌توان مداخلات سیاستی را دقیقاً در همان نقاطی اعمال کرد که بیشترین تأثیر را دارند. در عین حال، باید از ابتدا به محدودیت‌های داده‌ای، تفاوت‌های جغرافیایی، ناهمگونی بنگاه‌ها و پیچیدگی نهادی تهران توجه کرد. این ملاحظات کمک می‌کند مدل پایش استانی نه تنها قابل اجرا و معتبر باشد، بلکه به‌طور پایدار و دوره‌ای نیز قابل به‌روزرسانی بماند.

۲-۲- مدل شاخص رقابت پذیری استانی ویتنام (PCI)

طرح شاخص رقابت پذیری استانی (PCI)^۹ ویتنام که با عنوان پی‌سی‌آی شناخته می‌شود، از سال ۲۰۰۵ توسط اتاق بازرگانی و صنعت ویتنام با حمایت آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده آغاز شده است. این طرح با هدف اندازه‌گیری کیفیت حکمرانی اقتصادی و محیط سرمایه‌گذاری در استان‌های ویتنام طراحی شده و صدای جامعه کسب و کار را در مورد چالش‌ها و نقاط قوت محلی منعکس می‌کند. در طول نزدیک به دو دهه، این شاخص به ابزاری معتبر برای اصلاحات اداری، بهبود فضای کسب و کار و افزایش رقابت پذیری استان‌ها تبدیل شده و به توسعه بخش خصوصی کمک کرده است. گزارش سال ۲۰۲۴ آخرین ارزیابی جامع از تمام ۶۳ استان قبل از ادغام واحدهای اداری است و بر اساس پاسخ‌های نزدیک به ۱۱ هزار کسب و کار داخلی و خارجی تهیه شده. این طرح با تمرکز بر جنبه‌های پایدار و سبز، به سیاست‌گذاری‌های محلی کمک می‌کند و از حمایت شرکای داخلی و بین‌المللی برخوردار است.

هدف اصلی PCI، سنجش کیفیت حاکمیت اقتصادی استانی و ترغیب دولت‌های محلی به اصلاحات اداری است. این مدل سه هدف کلیدی را دنبال می‌کند: (۱) بازتاب صدای واقعی بنگاه‌ها و فشار برای بهبود عملکرد دولت‌های محلی، (۲) ایجاد رقابت سالم از طریق رتبه‌بندی سالانه استان‌ها و تشویق یادگیری متقابل و (۳) تقویت شفافیت، کاهش فساد و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI).

روش شناسی این مطالعه بر پایه نظرسنجی سالانه از کسب و کارها استوار است. پرسشنامه‌ای تفصیلی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌شود که بخش‌هایی مانند اطلاعات پایه شرکت، مسائل زمین و محل کسب و کار، ثبت کسب و کار، مجوزها و پروانه‌ها، و عملکرد کلی را پوشش می‌دهد. پرسشنامه شامل سوالاتی در مورد تاریخچه شرکت، برنامه‌های سرمایه‌گذاری، مشتریان اصلی، سابقه مالک، و چالش‌های اداری مانند زمان ثبت، هزینه‌های غیررسمی، و دسترسی به زمین بود. در گزارش ۲۰۲۴، داده‌ها از نزدیک به ۱۱ هزار پاسخ‌دهنده جمع‌آوری شده و توسط تیمی از محققان به رهبری پروفسور ادموند مالسکی



تحلیل می‌شود. فرآیند جمع‌آوری داده‌ها با همکاری بیش از ۵۰ نفر و مدیریت دقیق انجام می‌گیرد و شاخص بر اساس زیرشاخص‌هایی مانند شفافیت اطلاعات، کیفیت نیروی کار، اصلاحات اداری آنلاین، دسترسی به زمین، و هزینه‌های انطباق محاسبه می‌شود. این روش ترکیبی از داده‌های کمی و کیفی است و استان‌ها را رتبه‌بندی می‌کند تا نقاط قوت و ضعف را برجسته کند.

از جمله نکات مثبت این طرح تمرکز بر صدای واقعی کسب و کارها برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد است که می‌تواند برای استان تهران به شناسایی چالش‌های استانی مانند دسترسی به مجوزها و زمین کمک کند. استفاده از نظرسنجی گسترده از کسب و کارهای داخلی و خارجی، اعتمادسازی ایجاد می‌کند و می‌تواند رقابت بین مناطق را افزایش دهد. همچنین، ادغام جنبه‌های پایداری و سبز در ارزیابی، الگویی برای تهران است تا محیط کسب و کار را با اهداف توسعه پایدار همسو کند. این روش به اصلاحات اداری منجر شده و می‌تواند برای اتاق تهران ابزاری برای تاثیرگذاری بر سیاست‌های استانی باشد. از سوی دیگر محدودیت‌هایی مانند وابستگی به پاسخ‌های ذهنی کسب و کارها و هزینه‌های بالای جمع‌آوری داده از نمونه بزرگ در این طرح دیده می‌شود.

گزارش سال ۲۰۲۴ شاخص رقابت‌پذیری استانی ویتنام به عنوان یک طرح ارزیابی محیط کسب و کار، نکات مفیدی را برای سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد که بر اصلاح فضای سرمایه‌گذاری و حکمرانی اقتصادی تمرکز دارد. چند نمونه از این یافته‌ها اینجا بررسی می‌شود:

«اعتماد کسب و کارها به مقامات محلی» در ابعاد شفافیت اطلاعات، کیفیت نیروی کار و اصلاحات اداری آنلاین افزایش یافته است. برای مثال، ۷۸ درصد کسب و کارها گزارش داده‌اند که رویه‌های آنلاین باعث صرفه‌جویی در زمان و هزینه شده، که نشان‌دهنده «موفقیت تحول دیجیتال در کاهش بار اداری» است.

از طرف دیگر افزایش هزینه‌های غیررسمی یا رشوه، با ۳۷ درصد کسب و کارها که پرداخت کرده‌اند (افزایش از ۳۳ درصد)، به ویژه در مجوزهای مشروط (۵۵ درصد)، رویه‌های زمین (۵۰ درصد) و بازرسی‌ها (۲۸ درصد) یکی از مسائل شناسایی شده است. با این حال، ۲۰ درصد کسب و کارهایی که بیش از ۱۰ درصد درآمد را صرف این هزینه‌ها می‌کنند به ۲۰۳ درصد کاهش یافته.

چالش‌های عملیاتی اصلی شامل دسترسی به اعتبار بانکی (۵۴ درصد)، یافتن مشتری (۴۹ درصد)، رکود بازار (۳۸ درصد)، یافتن شرکای تجاری (۲۰ درصد) و نیروی کار مناسب (۲۰ درصد) است، که نشان‌دهنده نیاز به حمایت مالی و بازاریابی است.

این یافته‌ها می‌تواند به عنوان الگویی برای طراحی ارزیابی محیط کسب و کار استان تهران استفاده شود. اتاق می‌تواند با تمرکز بر صدای واقعی کسب و کارها از طریق نظرسنجی مشابه، چالش‌هایی مانند دسترسی به زمین و مجوزها را شناسایی کند و برای لابی‌گری با سیاست‌گذاران از داده‌های مبتنی بر شواهد بهره‌برداری کند. همچنین، رتبه‌بندی مناطق تهران بر اساس شاخص‌های مشابه می‌تواند رقابت داخلی را افزایش دهد و



به جذب سرمایه کمک کند، اما نیاز به تنظیم با شرایط محلی مانند مسائل زیست محیطی یا تحریم ها دارد تا از محدودیت های فرهنگی یا سیاسی جلوگیری شود. این رویکرد می تواند اتاق را به ابزاری برای سیاست گذاری پایدار تبدیل کند و توسعه بخش خصوصی را تقویت نماید.

۲-۳- مدل پایش ملی محیط کسب و کار اتاق بازرگانی ایران

طرح پایش ملی محیط کسب و کار ایران توسط مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران بصورت فصلی و استانی و ملی تهیه می شود و با شاخص رقابت پذیری استانی (پی سی آی) ویتنام شباهت ها و تفاوت های قابل توجهی دارد. در ادامه، مقایسه ای از این دو گزارش ارائه می شود:

از منظر متدولوژی؛ هر دو مدل بر پایه نظرسنجی از جامعه کسب و کارها و ترکیب داده های پیمایشی با آماری برای ارزیابی محیط کسب و کار طراحی شده اند. گزارش ایران از ۲۸ مولفه پیمایشی (مانند بی ثباتی سیاست ها و دشواری تامین مالی) و ۴۲ مولفه آماری (مانند نرخ تورم و زیرساخت ها) بهره می برد و با روش نمونه گیری چرخشی دو مرحله ای (بر اساس استان و بخش اقتصادی) از ۳۱۰۰ فعال اقتصادی (از سه اتاق بازرگانی، تعاون و اصناف) با ابزارهای الکترونیکی و تلفنی داده جمع آوری می کند. محاسبه شاخص با وزنی (۸۰ درصد پیمایشی و ۲۰ درصد آماری) و نرمال سازی بر اساس روش فاصله از مرز انجام می شود و شاخص فصلی/سالانه با تفکیک ملی، استانی، بخشی و فعالیتی ارائه می گردد.

در مقابل، پی سی آی ویتنام بر نظرسنجی سالانه از حدود ۱۱ هزار کسب و کار داخلی و خارجی تمرکز دارد و پرسشنامه ای جامع (شامل مسائل زمین، مجوزها، عملکرد و مشتریان) را با رهبری محققان دانشگاهی اجرا می کند. محاسبه شاخص بر اساس زیرشاخص هایی مانند شفافیت، نیروی کار و دسترسی به زمین است و استان ها را برای رقابت رتبه بندی می کند.

بطور خلاصه هر دو رویکرد ترکیبی (پیمایشی-آماری)، مبتنی بر صدای کسب و کارها هستند. گزارش ایران پوشش داخلی بیشتری (شامل اصناف و تعاون) دارد اما نمونه کوچک تری نسبت به ویتنام، و کمتر بر سرمایه گذاران خارجی تمرکز دارد. ویتنام رقابتی تر (رتبه بندی استانی) و طولانی مدت تر (از ۲۰۰۵) است، در حالی که ایران از ۱۳۹۵ آغاز شده و بیشتر ملی گرا است.

از نظر محتوایی نیز گزارش پایش ملی محیط کسب و کار ایران ضعف هایی دارد که با واقعیت های عینی همخوانی ندارد. به عنوان نمونه بررسی گزارش پایش ملی محیط کسب و کار ایران (تابستان ۱۴۰۴) نشان می دهد که فاصله بین امتیازات استان ها، مولفه ها و تغییرات دوره ای بسیار کم است. این مسئله احتمالاً ناشی از ویژگی های متدولوژیکی است که حساسیت کافی برای انعکاس تفاوت های واقعی ندارد، به ویژه وقتی استان هایی مانند تهران (با تولید ناخالص داخلی بالا و زیرساخت های قوی) و سیستان و بلوچستان (با فقر و چالش های توسعه ای بیشتر) امتیازات نزدیکی (به ترتیب ۶.۰۵ و ۶.۴۱) دریافت می کنند.



بر اساس جدول ۸ گزارش (صفحه ۲۱)، امتیازات تابستان ۱۴۰۴ برای ۳۱ استان بین ۵.۴۹ (خراسان رضوی، بهترین) تا ۶.۵۷ (فارس، بدترین) قرار دارد. میانگین امتیازات حدود ۶.۱۲ است، با واریانس ۰.۰۴۷ و انحراف معیار ۰.۲۲، که نشان دهنده پراکندگی بسیار کم است. حداکثر فاصله (۱.۰۸ واحد) نیز در گزارش تأیید شده و به عنوان «عدم وجود تفاوت قابل توجه» توصیف می‌شود. برای مثال، تهران (۶.۰۵)، نزدیک میانگین) و سیستان و بلوچستان (۶.۴۱، کمی بدتر) تنها ۰.۳۶ واحد فاصله دارند، در حالی که حدود ۴۲ درصد استان‌ها امتیاز کمتر از شاخص ملی (۶.۰۹) دارند.

گزارش مولفه‌های پیمایشی (مانند بی‌ثباتی سیاست‌ها با ۷.۱۶ و دشواری تأمین مالی با ۷.۶۱) را نشان می‌دهد که فاصله بین آنها نیز محدود است (اغلب بین ۵ تا ۸). این مولفه‌ها بر اساس ادراک ۳۱۰۰ فعال اقتصادی محاسبه می‌شوند و ترکیبی از داده‌های پیمایشی (۸۰ درصد وزن) و آماری (۲۰ درصد) هستند. این درحالی است که مقایسه با داده‌های آماری اقتصادی نشان دهنده تفاوت‌های عمیق است. بر اساس آمار جهانی و داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه تهران حدود ۲ برابر میانگین ملی ایران (حدود ۱۰-۱۲ هزار دلار تخمینی در ۲۰۲۴) است، در حالی که سیستان و بلوچستان یکی از پایین‌ترین‌ها (حدود ۲-۳ هزار دلار) با نرخ بیکاری بالا (حدود ۱۵-۲۰ درصد) و چالش‌های آب و هوایی است. شاخص درآمد سرانه تهران ۰.۴۹۷ و سیستان ۰.۲۶۹ گزارش شده، که تفاوت ۸۵ درصدی را نشان می‌دهد. با این حال، گزارش پایش این تفاوت را تنها با ۶ درصد فاصله در شاخص منعکس می‌کند، که نشان دهنده عدم حساسیت به عوامل محلی مانند زیرساخت‌ها یا سرمایه‌گذاری است.

تغییرات فصلی و سالانه اغلب زیر ۵ درصد است (مثلاً تهران: ۰.۶۱- درصد نسبت به بهار ۱۴۰۳ و ۰.۳۳ درصد نسبت به تابستان ۱۴۰۳). میانگین تغییرات فصلی استان‌ها حدود ۲-۳ درصد است و گزارش اشاره می‌کند که این تغییرات «کم» هستند. این پایداری می‌تواند مثبت (ثبات محیط) یا منفی (عدم تشخیص تغییرات واقعی مانند تأثیر تورم ۴۰ درصدی یا تحریم‌ها) باشد. برای مثال، از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، امتیاز ملی از حدود ۵.۸ به ۶.۰۹ افزایش یافته (بدتر شدن تدریجی)، اما بدون جهش‌های بزرگ.

متدولوژی گزارش بر اساس نظریه کارآفرینی شین^{۱۰} است و از ۲۸ مولفه پیمایشی (ادراک سنجی) و ۴۲ مولفه آماری (مانند نرخ تورم و زیرساخت) استفاده می‌کند. نمونه‌گیری چرخشی دو مرحله‌ای است و شاخص با نرمال‌سازی «فاصله از مرز» محاسبه می‌گردد. با این حال، عوامل زیر می‌تواند باعث عدم انعکاس کامل واقعیت شود:

الف) تمرکز بر عوامل ملی به جای محلی؛ بسیاری مولفه‌ها (مانند بی‌ثباتی سیاست‌ها، تغییرات قیمت مواد اولیه و تأمین مالی) تحت تأثیر عوامل کلان مانند تورم، نوسان ارز و تحریم‌های بین‌المللی هستند که همه استان‌ها را مشابه می‌دهند. این برخلاف مدل PCI ویتنام است که بر حکمرانی محلی (مانند شفافیت اداری، دسترسی به زمین و نیروی کار استانی) تمرکز دارد و فاصله امتیازات استان‌ها را بیشتر نشان می‌دهد (برای مثال، در PCI 2024 ویتنام، بهترین استان Hai Phong با ۷۴.۸۴ و میانگین ۶۷.۶۷، با فاصله حدود ۱۵-۲۰ واحد از ۱۰۰).



ب) وابستگی به ادراک ذهنی؛ ۸۰ درصد وزن پیمایشی است و پاسخ دهندگان ممکن است تحت تاثیر شرایط ملی، باشند. پرسشنامه ممکن است سوالات کافی برای تمایز محلی (مانند کیفیت خدمات استانی یا موانع منطقه ای) نداشته باشد، که منجر به همگرایی امتیازات می شود.

ج) نمونه کوچک و پوشش؛ با ۳۱۰۰ پاسخ دهنده (در مقابل ۱۱۰۰۰ در PCI ویتنام)، دقت استانی ممکن است کم باشد، به ویژه برای استان های کوچک مانند سیستان.

د) مقیاس و نرمال سازی؛ مقیاس ۱۰-۰ با فاصله کم، حساسیت را کاهش می دهد. در PCI ویتنام، مقیاس ۱۰۰-۰ اجازه تمایز بیشتر می دهد.

این اشکالات باعث می شود گزارش کمتر بتواند تفاوت های واقعی (مانند ثروت تهران در مقابل فقر سیستان) را منعکس کند و بیشتر به عنوان ابزاری برای پایش ملی عمل کند تا رقابت استانی.

۳- چهارچوب روش شناسی طراحی مدل سنجش محیط کسب و کار استان تهران

فرایند طراحی مدل سنجش محیط کسب و کار هنگامی دارای کارایی پایدار خواهد بود که در قالب یک منطق مرحله ای و قابل بازبینی پیش برود. در گام نخست، تیم تحقیق با تدوین نسخه ابتدایی مدل و تعیین شاخص ها و روش های گردآوری داده، آن را در مقیاسی محدود و با جامعه هدف کوچک آزمایش می کند تا میزان کارکردپذیری، شفافیت و قابلیت تکرار آن سنجیده شود. نتایج این اجرای آزمایشی نقش مهمی در شناسایی خلاء های اطلاعاتی، ابهامات مفهومی یا مشکلات عملیاتی دارد و زمینه لازم را برای اصلاح ساختار مدل فراهم می سازد. در گام دوم، نسخه تکمیل شده مدل با دامنه فراگیر و برای کل جامعه هدف اجرا می شود تا تصویری نظام مند و جامع از محیط کسب و کار استان تولید کند. با توجه به اینکه محیط کسب و کار ماهیتی پویا و تغییرپذیر دارد، ارزیابی باید به صورت مستمر انجام شود و به فرایندی نهادمند تبدیل گردد. بنابراین فراهم کردن زیرساخت سازمانی مناسب در اتاق بازرگانی، شامل نیروی انسانی متخصص، سامانه های داده ای قابل اتکا و روال های مشخص برای اجرای دوره ای سنجش، برای استمرار پذیری و اعتبار نتایج ارزیابی ضروری است.

۳-۱ - طراحی مدل یا روش شناسی ارزیابی محیط کسب و کار

طراحی مدل یا روش شناسی ارزیابی محیط کسب و کار استانی یکی از حساس ترین و تعیین کننده ترین مراحل در کل فرایند ارزیابی است، زیرا شالوده تحلیل ها، شاخص ها و تفسیر نتایج بر اساس همین چارچوب مفهومی و روش شناختی بنا می شود. این مرحله نیازمند یک مطالعه تفصیلی و همه جانبه است تا بتواند ابعاد نظری، تجربی و عملیاتی سنجش محیط کسب و کار را به صورت واقع بینانه تبیین کند. در گام نخست، نمونه های بین المللی و الگوهای معتبر ارزیابی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می گیرد تا نقاط قوت، ضعف، نحوه طراحی شاخص ها، روش های اندازه گیری و سازوکارهای اجرایی آنها استخراج شود. سپس محدودیت های ساختاری استان، ویژگی های اقتصادی و اداری، ظرفیت های نهادی و الزامات اجرائی تحلیل می شود تا مشخص گردد چه بخش هایی از الگوهای جهانی قابلیت بومی سازی دارند و چه بخش



هایی باید متناسب با شرایط محلی بازطراحی شوند. در نهایت، براساس اهداف ارزیابی، سطح دقت مورد انتظار و کارکردی که مدل باید برای سیاستگذاری فراهم کند، چارچوب روش شناسی تدوین می شود تا بتواند تصویری معتبر، قابل مقایسه و کاربردی از وضعیت محیط کسب و کار استان تهران ارائه کند.

۳-۲- روش جمع آوری داده ها و طراحی پرسشنامه ها

روش جمع آوری داده ها و طراحی پرسشنامه ها در هر مدل ارزیابی محیط کسب و کار نقش بنیادی دارد، زیرا اعتبار نهایی نتایج به میزان دقت، شفافیت و جامعیت داده های گردآوری شده وابسته است. در این مرحله باید نسبت میان داده های آماری، قضاوتی و تجربی با دقت تعیین شود و برای هر نوع داده منابع قابل اعتماد و قابل دسترس مشخص گردد تا از یک سو تنوع اطلاعات حفظ شود و از سوی دیگر قابلیت اتکا و تکرارپذیری سنجش تضمین شود. طراحی پرسشنامه ها نیز مستلزم رعایت اصول روایی و پایایی علمی است و باید با منطق مدل و نیازهای تحلیلی آن همخوان باشد تا بتواند به صورت مستقیم وضعیت محیط کسب و کار را از دید فعالان اقتصادی و ذینفعان اصلی منعکس کند. همچنین، تعیین روش نمونه گیری، حجم نمونه، ویژگی های جامعه هدف و نحوه تکمیل پرسشنامه ها از دیگر الزامات این بخش است و باید به گونه ای طراحی شود که ترکیب بخش های اقتصادی، اندازه بنگاه ها و پراکندگی جغرافیایی استان تهران در آن لحاظ شود. هرچند استفاده از تجربیات و مدل های معتبر بین المللی ضروری است، اما نمی توان این الگوها را به صورت مستقیم به کار گرفت، زیرا شرایط ساختاری، اداری و اقتصادی استان تهران دارای ویژگی های خاص خود است و مدل گردآوری داده باید به صورت بومی سازی شده تدوین شود. برای این منظور گام هایی همچون تعریف دقیق منابع داده، تعیین نسبت بهینه انواع داده ها، طراحی پرسشنامه مبتنی بر شواهد، تعیین راهبرد نمونه گیری متناسب با ساختار اقتصادی استان و تدوین دستورالعمل اجرایی برای جمع آوری و کنترل کیفیت داده ها باید در طراحی مدل مد نظر قرار گیرد.

۳-۳- تنوع جامع اماری و نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش شامل بنگاه های عضو اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در سال ۱۴۰۴ است که در زمان اجرا حدود ۱۴ هزار واحد اقتصادی را در بر می گیرد. برای تضمین نمایندگی واقعی از تنوع بنگاه ها، انتخاب نمونه باید براساس روش طبقه بندی تصادفی تنظیم شود تا ابعاد مهم تفاوتی از جمله اندازه بنگاه (خرد، کوچک، متوسط، بزرگ)، نوع فعالیت اقتصادی (تجاری، صنعتی، خدماتی، کشاورزی) و پراکندگی جغرافیایی در بافت شهری استان در نظر گرفته شود. در سطح عملی این کار با تعریف روشن از طبقات و تخصیص سهم نمونه به هر طبقه به صورت متناسب یا متوازن انجام می شود؛ تخصیص متناسب وقتی مناسب است که هدف برآورد شاخص های کلان برای کل جامعه باشد و تخصیص متوازن یا هدفی وقتی کاربرد دارد که طبقات کوچک اما مهم نباید نادیده گرفته شوند. از منظر محاسباتی، برای جمعیت ۱۴ هزار واحد و با فرض سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای نمونه گیری مجاز ۵ درصد، اندازه نمونه پایه با فرض حداکثر واریانس تقریباً ۳۷۴ واحد برآورد می شود؛ اما باید تاثیر گزینش خوشه ای یا طراحی طبقه ای^{۱۱} و نرخ عدم پاسخ در نظر گرفته شود، بنابراین لازم



است اندازه نمونه نهایی پس از لحاظ کردن ضریب طراحی و جبران عدم پاسخ افزایش یابد (مثلاً هدف گذاری در بازه ۵۰۰ تا ۶۵۰ پرسشنامه تکمیل شده بسته به منابع و نرخ پاسخ مورد انتظار). نحوه نمونه گیری باید مستندسازی شود؛ شامل روش انتخاب واحدهای نمونه در هر طبقه، ترتیب اولویت های جایگزین در مواجهه با فقدان پاسخ، و پروتکل های تماس و پیگیری برای کاهش عدم پاسخ. برای کنترل کیفیت نتایج، وزن دهی نمونه بر اساس نسبت های طبقاتی و اصلاح برای عدم پاسخ باید انجام شود تا شواهد حاصل قابلیت تعمیم به جامعه را داشته باشند؛ این شامل محاسبه وزن خام، تعدیل جهت سازگاری با ساختار جمعیتی شناسایی شده و آزمون حساسیت نتایج نسبت به روش وزن دهی است. همچنین ضروری است پیش از نمونه گیری نهایی یک اجرای آزمایشی از نمونه گیری و تکمیل پرسشنامه در هر طبقه صورت گیرد تا مشکلات فرایندی شناسایی و دستورالعمل میدان و سامانه ثبت داده بازنگری شود. در حوزه میدانی نیز آموزش پرسشگران، نظارت بر تکمیل پرسشنامه ها، برگزاری کنترل های تصادفی و اعتبار سنجی پاسخ ها و استفاده از ابزارهایی برای ثبت زمان و مکان تکمیل می تواند از خطاهای داده ای بکاهد. در نهایت رعایت اصول محرمانگی داده ها، اخذ رضایتمندی پاسخ دهندگان و مستندسازی کلی فرآیند نمونه گیری و پاسخدهی برای تضمین شفافیت و تکرارپذیری تحقیق ضروری است.

۳-۴- اعتبارسنجی پرسشنامه و ابزارهای پژوهش

اعتبارسنجی پرسشنامه و ابزارهای پژوهش گامی ضروری برای تضمین دقت و استحکام نتایج ارزیابی محیط کسب و کار است و باید در چندین مرحله و با استفاده از روش های علمی معتبر انجام شود. در مرحله اعتبار محتوایی، پرسشنامه توسط گروهی از خبرگان حوزه سیاست گذاری، اقتصاد و مدیریت ارزیابی می شود تا نسبت روایی محتوا یا CVR برای هر گویه محاسبه گردد و میزان مطابقت پرسش ها با مفاهیم کلیدی مدل سنجش مشخص شود. پس از آن، اعتبار ساختاری ابزار از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و محاسبه شاخص KMO مورد بررسی قرار می گیرد تا میزان کفایت نمونه و ساختار عاملی نهفته در داده ها آشکار شود و مشخص گردد که آیا گویه ها در عمل همان سازه های نظری مورد انتظار را بازنمایی می کنند یا خیر. برای ارزیابی پایایی نیز باید آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص های اصلی محاسبه شود تا میزان ثبات و هماهنگی درونی گویه ها سنجیده گردد و در صورت لزوم گویه های ضعیف حذف یا بازنویسی شود. در نهایت، اعتبار معیاری ابزار از طریق مقایسه نتایج پرسشنامه با شاخص های معتبر و موجود در ادبیات یا با استفاده از یافته های مطالعات مشابه سنجیده می شود تا اطمینان حاصل شود که پرسشنامه توانایی پیش بینی و همسویی با الگوهای معتبر را دارد. انجام این مجموعه اقدامات موجب می شود ابزار گردآوری داده از نظر نظری، تجربی و آماری در بالاترین سطح اعتبار قرار گیرد و بتواند پایه ای قابل اعتماد برای سنجش محیط کسب و کار استان تهران فراهم کند.

۳-۵- تحلیل داده ها و ارائه خروجی ها

تحلیل داده ها و ارائه خروجی ها یکی از مراحل کلیدی در فرایند ارزیابی محیط کسب و کار است، زیرا کیفیت تفسیر نهایی و کاربرد سیاستگذاری مدل به نحوه پردازش و تحلیل داده های گردآوری شده وابسته است. در این مرحله، داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری نظیر SPSS یا R مورد تحلیل قرار می گیرند تا الگوهای پنهان، روابط ساختاری و شاخص های کلیدی از دل اطلاعات استخراج شود. تحلیل عاملی برای شناسایی ابعاد بنیادین محیط کسب و کار و کاهش داده ها به مجموعه ای



از سازه‌های مفهوم محور به کار می‌رود، در حالی که روش‌های پیشرفته تری مانند رگرسیون چندمتغیره برای بررسی اثر سیاست‌ها، مقررات یا ویژگی‌های نهادی بر متغیرهای مهمی همچون رشد بنگاه‌ها یا رضایت فعالان اقتصادی استفاده می‌شود.

پس از پردازش داده‌ها، نتایج در یک داشبورد جامع مانند محیط Power BI ارائه می‌گردد که امکان مشاهده روندهای سالانه، مقایسه شاخص‌ها میان بخش‌های مختلف و تحلیل‌های بصری از جمله نمودارها و نقشه‌های موضوعی را فراهم می‌سازد. این داشبورد با هدف قابل فهم بودن برای سیاست‌گذاران، فعالان اقتصادی، پژوهشگران و رسانه‌ها طراحی می‌شود و قابلیت انتشار عمومی دارد تا شفافیت و مشارکت اجتماعی را تقویت کند. تحلیل‌ها به صورت سالانه به روز می‌شوند تا پویایی سیاست‌ها، اثر اصلاحات نهادی و تغییرات ساختاری در محیط کسب و کار قابل رصد باشد و امکان مداخله هدفمند در حوزه‌های مسئله‌دار فراهم شود. تجربه‌هایی مانند شاخص PCI در ویتنام نشان می‌دهد که انتشار دوره‌ای و مستمر نتایج می‌تواند از طریق رقابت نهادی، فشار افکار عمومی و مطالبه‌گری بخش خصوصی به بهبود تدریجی عملکرد دستگاه‌ها و ارتقای کیفیت تنظیم‌گری در عرصه کسب و کار منجر شود. در جمع‌بندی، مدل ارزیابی محیط کسب و کار استان تهران به عنوان الگویی نوآورانه و بومی‌سازی شده تلاشی است برای پرکردن فاصله میان مدل‌های جهانی و واقعیت‌های نهادی و اقتصادی کشور و می‌تواند ابزاری اثربخش برای تصمیم‌سازی اقتصادی و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد باشد.

۳-۶- برآورد مالی و نیروی انسانی مورد نیاز

برآورد مالی و نیروی انسانی برای فاز طراحی مدل تا اجرای آزمایشی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های پژوهشی، زیرساختی و میدانی است که معمولاً در بازه زمانی چهار تا شش ماه انجام می‌شود. برای اجرای این فاز به یک تیم تخصصی شامل مدیر علمی پروژه، یک پژوهشگر ارشد، یک پژوهشگر پشتیبان، یک کارشناس آمار و داده، یک کارشناس نمونه‌گیری و یک طراح داشبورد نیاز است. علاوه بر این، یک گروه میدانی شامل پنج تا هفت پرسشگر برای اجرای آزمایشی پرسشنامه‌ها ضروری است تا فرایند جمع‌آوری داده‌ها در مقیاس محدود با دقت و کنترل کیفیت همراه باشد.

هزینه‌های این فاز براساس تجربه پروژه‌های مشابه بالغ بر سه میلیارد تومان برآورد می‌شود. بخش عمده هزینه‌ها مربوط به دستمزد نیروی انسانی تخصصی است؛ شامل مدیر علمی، پژوهشگران ارشد، کارشناس آمار و طراح داشبورد. هزینه‌های میدانی شامل اجرای حدود چهار تا شصت پرسشنامه آزمایشی، دستمزد پرسشگران و سرپرست میدانی است. همچنین هزینه‌های نرم‌افزاری، سامانه ثبت داده، خدمات پشتیبانی و برگزاری جلسات خبرگی برای اعتبارسنجی محتوایی پرسشنامه بخشی از بودجه را تشکیل می‌دهد.

۴- جمع‌بندی و پیشنهادات

در جمع‌بندی، براساس مباحث و مراحل مطرح شده در این پژوهش، پیاده‌سازی یک سازوکار ساختاری و نهادمند برای سنجش محیط کسب و کار استان تهران مستلزم طی یک زنجیره منسجم از فعالیت‌های استراتژیک است؛ نخست طراحی مدل سنجش باید به صورت جامع و مبتنی بر چارچوب‌های روش‌شناختی روشن انجام شود تا شاخص‌ها، وزن‌دهی، منابع



داده و اهداف تحلیلی به طور صریح تعریف شوند؛ پس از تکمیل چارچوب مفهومی لازم است تأمین بودجه ثابت و سازماندهی یک واحد مسئول در اتاق بازرگانی که وظایف حاکمیتی، اجرایی و پشتیبانی سامانه را به عهده گیرد، مورد تصویب قرار گیرد تا استمرار پذیری برنامه تضمین شود؛ مرحله بعدی اجرای آزمایشی مدل در مقیاس محدود و صحنه گذاری آن از طریق ارزیابی روایی و پایایی ابزار، آزمون روش نمونه گیری و سنجش کارایی فرایندهای میدانی و سامانه ای است تا اصلاحات لازم قبل از گسترش ملی اعمال شود؛ پس از اصلاحات، ارزیابی سالانه در قالب فرآیند دوره ای و با بهره گیری از زیرساخت داده ای، نیروی انسانی آموزش دیده و رویه های کنترل کیفیت انجام شود تا تحولات و پیامدهای سیاست ها به طور مستمر رصد گردد؛ نهایتاً انتشار منظم نتایج همراه با یک استراتژی بازخوردگیری هدفمند که کانال های متنوعی از جمله داشبوردهای عمومی، گزارش های تفصیلی برای سیاستگذاران و نشست های مشورتی با نمایندگان بخش خصوصی را در بر گیرد، ضروری است تا شفافیت، پاسخگویی نهادی و امکان اصلاح سیاست ها فراهم آید. پیشنهاد می شود در کنار این گام ها رویه های حاکمیت داده، شاخص های کلیدی عملکرد جهت ارزیابی اثربخشی مدل، برنامه های تربیت ظرفیت برای تیم اجرایی و مکانیزم های تأمین مالی بلندمدت پیش بینی شود تا مدل به عنوان یک ابزار معتبر و تأثیرگذار در فرآیند تصمیم سازی و بهبود فضای کسب و کار استان نقش آفرینی کند.



منابع

- [1]. VCCI. (2024). *Provincial Competitiveness Index 2024*. Hanoi: Vietnam Chamber of Commerce and Industry (VCCI).
- [2]. World Bank. (2024). *Business Ready 2024*. Washington, DC: The World Bank.